

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۵/۰۶

موضوع: «پاسخگویی به شبهات» از اساسی‌ترین مصادیق حفاظت از مذهب

(سخنرانی در جمع طلاب کاشمر)

فهرست موضوعات این سخنرانی:

کرسی تدریس نفوذیهای یهودی و مسیحی در مسجد النبی!!

خدمت بی نظیر اهل بیت و شاگردان ایشان به اسلام

مصادیق از خفقان شدید و عجیب دوران بنی امیه!

«پاسخگویی به شبهات» از اساسی‌ترین شاخصه‌های حفاظت از مذهب

ارزش پاسخ به یک شبهه، بیست میلیون برابر تمام ثروت دنیا

چگونگی برخورد با شبهه افکنان در بیان امام حسن عسکری (سلام الله علیه)

لزوم پرهیز از فحش و اهانت به مخالفین در مناظرات

امروز خروجی «لعن علی» همان خروجی «سب» و «شتم» است!

آیا در زیارت عاشورا به خلفای اهل سنت لعن می‌کنیم!؟

دستور صریح امام صادق به مباحله با مخالفین!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقيه الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می گوئیم و خدا را به صاحب نعمت مطلقه سوگند می دهیم که ما را در دنیا و آخرت از این بزرگواران لحظه‌ای جدا نفرماید.

ما در جلسه صبح که در خدمت بخشی از شما بزرگواران و گرامیان بودیم، نکاتی را عرض کردیم و اشاره شد که بحث ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) در سرلوحه تمام معارف دینی است.

بدون تمسک به ولایت، توحید، اعتقاد به رسالت، اعتقاد به نبوت و معاد ما معنا پیدا نمی‌کند، زیرا ائمه اطهار فرمودند:

«بِنَا عِبَادَ اللَّهِ وَ بِنَا عِرْفَ اللَّهِ وَ بِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۱۴۵، ح ۱۰

معرفت الهی که از طریق اهلبیت نباشد، جز بت پرستی و پرستیدن فرآورده‌های ذهنی چیز دیگری نیست.

کرسی تدریس نفوذیهای یهودی و مسیحی در مسجد النبی!!

نبوتی که از طریق اهلبیت معرفی نشود، معادی که از طریق اهلبیت معرفی نشود، نبوت و معاد نیست؛ بلکه چیزی است که عموماً از کانال دشمنان و مخالفان اسلام به ویژه افراد نفوذی همانند «کعب الأحبارها» و «تمیم داریها» بیان شده است.

در عصری که نقل روایت جرم نابخشودنی محسوب می‌شود، و خلیفه اول دستور می‌دهد تمام روایات نبی گرامی اسلام جمع شود و همه را آتش زدند.

«ذهبی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت به صراحت این مطالب را از عایشه نقل می‌کند. در دوران خلافت خلیفه دوم نقل حدیث جرم بود به طوری که «عبدالله بن مسعود» به جرم نقل حدیث زندانی می‌شود یا «ابو درداء» تازیانه می‌خورد.

ولی درست در همان عصری که نقل حدیث جرم بود و عقوبت‌های سنگینی داشت «کعب الأحبار» که یهودی بود و به ظاهر مسلمان شده بود و در حقیقت نفوذی بود، در مسجد النبی کرسی تدریس داشت و تعداد زیادی از صحابه پای درس او نشسته بودند. حتی «ابن عباس» و «ابوهریره» و دیگران روایات متعددی در صحاح اهل سنت از «کعب الأحبار» یهودی دارند.

و همچنین «تمیم داری» نفوذی از ناحیه مسیحیت کرسی تدریس دارد. سخن گفتن امیرالمؤمنین ممنوع است و اطراف علی بن ابی طالب رفتن جرم محسوب می‌شود. اهل بیت خانه نشین و گوشه گیر شدند، اما نفوذی‌های یهود و نصاری در جامعه اسلامی در هر گوشه‌ای، بحث و تدریس و سخنرانی دارند.

عمده خرافات در این زمان وارد مکتب عزیزان اهل سنت ما شد. «ابن کثیر دمشقی» سلفی العقیده شاگرد «ابن تیمیه» متوفای ۷۷۴ هجری می‌گوید: "غالب احادیث اسرائیلیاتی که در کتب مختلف ما مخصوصاً کتب تفسیری ما هست، توسط «کعب الأخبارها» وارد شد." آن‌ها اهل بیت را که نبی گرامی اسلام آن بزرگواران را عدل قرآن نامید و در مورد آنها فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج ۲،

ص ۶۲، ح ۲۵۹

خانه نشین شدند و دیگران که از اسلام سیلی خورده بودند میدان دار حدیث شدند. قطعاً عزیزان در تاریخ حدیث، مطالعه کرده‌اند و یا شنیده‌اند که منع تدوین حدیث و نقل حدیث به جایی رسید که صحابه از دنیا رفتند، اما اجازه کتابت و نقل و تألیف حدیث را پیدا نکردند. همچنین تابعین و اتباع تابعین از دنیا رفتند و تا سال ۹۸ و ۹۹ هجری زمان «عمر بن عبدالعزیز» نقل حدیث از پیغمبر اکرم قدغن و جرم نابخشودنی بود.

خدمت بی نظیر اهل بیت و شاگردان ایشان به اسلام

برای اولین بار «عمر بن عبدالعزیز» دستور داد که حدیث پیغمبر اکرم نوشته شود، اما بازهم دستور او عملی نشد. اگر به کتب عزیزان اهل سنت مراجعه کنید، می‌بینید اولین کسی که حدیث نوشت «شهاب الدین زهری» متوفای ۱۲۳ یا ۱۲۴ هجری است.

بعد از او این قضایا پیش آمد. یعنی تا صد سال پس از رحلت پیغمبر اکرم حدیث نویسی در جامعه اسلامی، فعلی ممنوع و خلاف مقررات حکومت اسلامی آن زمان بود.

علی رغم جو آن زمان، همه ائمه اطهار از جمله امیرالمؤمنین، امام حسن مجتبی، امام حسین، امام باقر و امام صادق با تشکیل دانشگاه‌های بزرگ و تربیت نیروهای ورزیده، آثار رسول اکرم و سخنان ائمه اطهار را شرح و تدوین کردند.

صاحب «وسائل الشیعه» در جلد آخر، فصل ۱۴ باب «الفائدة الرابعة عشر» می‌نویسد: «کتاب‌هایی که در عصر ائمه اطهار توسط اصحاب آن بزرگواران نوشته شد، بالغ بر شش هزار و ششصد تألیف است.»

در عصری که نوشتن حدیث ممنوع بود، ائمه اطهار به شاگردان و اصحاب دستور دادند این احادیث نوشته شود و محفوظ بماند.

این افتخار و مایه سربلندی شیعه است که در عصری که خفقان بود و بردن نام ائمه اطهار جرم محسوب می‌شد، احادیث نبی مکرم اسلام نوشته شد و به دست ما رسید.

مصدقی از خفقان شدید و عجیب دوران بنی امیه!

دوستان عزیز که در زمینه کتب رجالی اطلاع دارید، به کتاب «تهذیب التهذیب» اثر «ابن حجر عسقلانی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت متوفای ۸۵۲ هجری مراجعه کنید. و نیز «ذهبی» یکی دیگر از استوانه‌های علمی اهل سنت متوفای ۷۴۸ هجری است. آن‌ها در شرح حال «علی بن ربیع» می‌گویند:

«کان بنو أمیة إذا سمعوا بمولود اسمه علی قتلوه»

تهذیب التهذیب، المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، الناشر: دار الفکر - بیروت،

الطبعة الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، ج ۷، ص ۲۸۰، باب من اسمه علی

بنی امیه آنچنان در جامعه خفقان ایجاد کرده بودند که اگر می‌شنیدند در خانه‌ای فرزندی به دنیا آمده و نام آن نوزاد را علی گذاشتند، فرعون وار آن نوزاد را به قتل می‌رساندند.

بنا به نقل «سیوطی» متوفای ۹۱۱ هجری در طول هفتاد سال، در بالای بیش از هشتاد هزار منبر امیرالمؤمنین را سب و لعن می‌کردند.

مذهب شیعه که امروز به دست ما رسیده و به وجود آن افتخار می‌کنیم و مباحثات می‌ورزیم، از لا به لای شکنجه‌ها و خون‌ها و شلاق‌ها به دست ما رسیده است.

این مذهب خون بهای بزرگانی همانند «محمد بن ابی بکر»، «قنبر» غلام حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و دیگر صحابه‌ای است که آنها را بالای دار می‌زدند و در بالای دار هم دست از تبلیغ علی بن ابی طالب بر نمی‌داشتند.

آن‌ها آخرین سخنشان دفاع از امیرالمؤمنین بود و زیر ضربات شمشیر جز علی سخنی نمی‌گفتند. بنابراین ما باید قدر این نعمت و مذهب و معارف دینی را خوب بدانیم و از آن پاسداری کنیم.

اگر ما امروز از این مذهب و معارف نورانی و پاک خوب حفاظت نکنیم و در برابر تهاجم فرهنگی و هجوم فرهنگی دشمن پاسخگو نباشیم، بدانیم نسل‌های آینده به ما نفرین خواهند کرد و ما را مورد لعن خودشان قرار خواهند داد.

معارف دینی امانتی در دست ما هست. همانطور که نسل‌های گذشته آن را به ما تحویل دادند، ما هم موظفیم آن را به نسل‌های آینده تحویل دهیم.

«پاسخگویی به شبهات» از اساسی‌ترین شاخصه‌های حفاظت از مذهب

یکی از اساسی‌ترین شاخصه‌های حفاظت از مذهب، بحث پاسخگویی به شبهات است. وهابیت و دیگر فرق انحرافی با تمام توان و با پشتیبانی استکبار جهانی در پی القاء شبهه و جدا کردن جوانان ما از بدنه مذهب تشیع برآمده‌اند.

امروز سرمایه گذاری‌های سنگینی انجام دادند تا بتوانند با القاء شبهه، جوانان ما را از مذهب جدا کنند و اذهان جوانان ما را نسبت به معارف دینی و مبانی اعتقادی متزلزل کنند. لذا پاسداری در این حوزه وظیفه ماست.

عزیزان به روایتی توجه کنند که از امام هادی (علیه السلام) است که در کتاب «الإحتجاج» اثر «مرحوم طبرسی» یکی از علمای قرن ششم هجری آمده است. این روایت مربوط به من و شماست.

امام هادی (علیه السلام) در قرن سوم، ما را می‌بیند و جو حاکم بر جامعه ما را می‌بیند و این سخن را می‌فرماید:

«لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِيْنَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ، وَ الدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ، وَ الْمُتَفِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِيهِ، وَ مِنْ فِخَاخِ التُّوَابِصِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا أَرْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ»

اگر پس از غیبت قائم (ع) شما از علمائی که دعوت به سوی او کنند و راهنمایی به حضرت او نمایند و با حجت‌های الهی و از دین او دفاع کنند و ضعیفان از بندگان خدا را از دام‌های شیطان و پیروان شیطان نجات بخشند باقی نمی‌مانند البته هیچکس از مؤمنین پابرجا نبودند، مگر آنکه از دین خدا برمی‌گشت.

می‌فرماید اگر علمای پاسخگو به شبهات نبودند، در این صورت جوانان و مردم از دین الهی مرتد می‌شدند و جامعه ما از مذهب اهل بیت فاصله می‌گرفت.

«وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يَمْسِكُونَ أَرْزَمَةَ قُلُوبِ ضَعَفَاءِ الشُّبُعَةِ كَمَا يَمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سَكَانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ
عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

ولی این علماء بودند که دل‌های ضعیفای شیعه را نگه داشتند همچنانکه کشتیبان سکان و فرمان کشتی را نگهداری می‌کند آن فرمانی که کشتی امواج آب را با آن می‌شکافد و پیش می‌رود آن علماء در پیشگاه خدای عزوجل برتر از همه باشد.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر؛ ناشر: نشر

مرتضی - مشهد؛ ج ۱، ص: ۱۸

بنابراین ما باید دقت کنیم زیرا این مسائل، مسائلی ساده نیست.

ارزش پاسخ به یک شبهه، بیست میلیون برابر تمام ثروت دنیا

همچنین در روایتی از امام حسن عسکری که از امام حسن مجتبی نقل می‌فرماید آمده که فردی هدیه‌ای خدمت امام حسن مجتبی آورد که در منطقه او نواصب مشغول پخش شبهات بودند.

حضرت به او پیشنهاد فرمود در برابر این هدیه، من حاضر بیست هزار درهم به تو هدیه کنم یا یک فصلی از پاسخ به شبهات و راهی از پاسخ به شبهات به تو آموزش بدهم که به منطقه خود برگردی و با این شخص ناصبی مناظره کنی و او را شکست دهی.

دقت داشته باشید حضرت بیست هزار درهم را در برابر آموزش روش پاسخگویی به شبهات قرار می‌دهند و سپس می‌فرمایند: اگر انتخاب خوب کرده باشی، هردو را به تو اهدا خواهم کرد.

شخص می‌گوید: یابن رسول الله! آیا ثواب پاسخ به شبهاتی که به من آموزش می‌دهی به اندازه بیست هزار درهم هست؟ به عنوان مثال اگر بیست هزار درهم را در راه خدا انفاق کنم یا به مردم احسان کنم، پاسخگوئی به شبهات ثوابی در این حد دارد؟

حضرت فرمود: ارزش یک پاسخ به شبهه بیست میلیون برابر تمام ثروت دنیاست، نه بیست هزار دینار!!

«وَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ ع قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ قَدْ حَمَلَ إِلَيْهِ رَجُلٌ هَدِيَّةً فَقَالَ لَهُ أَيَّمَا أَحَبِّ إِلَيْكَ أَنْ أَرُدُّ عَلَيْكَ بِدَلَّهَا عِشْرِينَ ضِعْفًا يَغْنِي عِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ أَوْ أَفْتَحَ لَكَ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ تَقْهَرُ فَلَنَا النَّاصِبِي فِي قَرَيْتِكَ تُنْقِذُ بِهِ ضُعْفَاءَ أَهْلِ قَرَيْتِكَ إِنْ أَحْسَنْتَ لِاخْتِيَارِ جَمْعَتِكَ الْأَمْرَيْنِ وَ إِنْ أَسَأْتَ لِاخْتِيَارِ خَيْرَتِكَ لِتَأْخُذَ أَيُّهُمَا شِئْتَ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَتَوَابِي فِي قَهْرِي ذَلِكَ النَّاصِبِ وَ اسْتِنْقَازِي لِأَوْلِيكَ الضُّعْفَاءِ مِنْ يَدِهِ قَدْرُهُ عِشْرُونَ أَلْفَ دِرْهَمٍ قَالَ أَكْثَرُ مِنَ الدُّنْيَا عِشْرِينَ أَلْفَ مَرَّةً»

حضرت فرمود اگر به یک مورد شبهه پاسخ بدهی و جوانان ما را از شبهات نواصب نجات بدهی، ارزشی برابر بیست میلیون برابر ثروت دنیاست.

عزیزان من تمامی این قضایا نشانگر این است که موضوع پاسخگویی به شبهات، یک موضوع اساسی است که دغدغه ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده است. آن بزرگواران شاگردان و افراد ورزیده‌ای را در این زمینه تربیت می‌کردند و به جامعه تحویل می‌دادند.

در این زمینه روایات زیادی در کتب شیعه وارد شده است؛ «مرحوم کشی» در کتاب «رجال»، «مرحوم طبرسی» در کتاب «الإحتجاج»، «علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» روایاتی در این زمینه آورده‌اند.

اگر این روایات جمع شود، شاید متجاوز از یک صد روایت از معصومین (علیهم السلام) در اهمیت پاسخگویی به شبهات و در اهمیت مناظره با مخالفین اهل بیت و در اهمیت تربیت شاگرد توانمند در این حوزه داریم.

چگونگی برخورد با شبهه افکنان در بیان امام حسن عسکری (سلام الله علیه)

من موردی را خدمت عزیزان اشاره کنم. «مرحوم طبرسی» در کتاب «الإحتجاج» روایتی آورده است که نشانگر چگونگی برخورد ما با شبهه افکنان است.

ما نمی‌توانیم با شبهه افکن خوش و بش کنیم، بلکه باید ببینیم که تعبیر حضرت چیست. افرادی خدمت امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌آیند و عرضه می‌دارند:

«يا ابنِ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ لَنَا جَاراً مِنَ الثُّصَابِ يُؤْذِينَا وَ يَحْتَجُّ عَلَيْنَا فِي تَفْضِيلِ الْأَوَّلِ وَ الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ عَلَى أَمِيرِ

الْمُؤْمِنِينَ وَ يوردُ عَلَيْنَا حُجْجاً لَا نَدْرِي كَيْفَ الْجَوَابِ عَنْهَا وَ الْخُرُوجِ مِنْهَا»

مشخص است که دشمنان شبانه روز کار می‌کنند، پشت درهای بسته فکر می‌کنند و اتاق فکر دارند. در حال حاضر وهابیت در فضای مجازی و سایبری، سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داده است.

آن‌ها میلیاردی برای القاء شبهه سرمایه‌گذاری کرده‌اند و در تلاشند تا شبانه روز شبهه طرح کنند. صبح هم عرض کردم طبق تحقیقی که دانشگاه علم و صنعت تهران انجام داده است، می‌گوید: از طریق رسانه‌های بین‌المللی، بیش از سیصد شبکه ماهواره‌ای تنها در خاورمیانه توسط سلفی‌ها و وهابیت راه‌اندازی شده و کارشان القاء و طرح شبهه علیه مذهب شیعه است.

لذا وظیفه ماست که در برابر این شبهات قیام کنیم، یاد بگیریم، آموزش ببینیم و وارد این عرصه شویم. به تعبیر

امام صادق؛

«أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ»

آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه‌ای که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند هزار هزار بار بالاتر از سپاه‌یانی است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار روم و ترک و خزر پیکار می‌کنند.

«لَأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَذْيَانِ مُجَبِّبِنَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَبْدَانِهِمْ»

زیرا دانشمندان نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام و مدافع دین دوستان ما هستند در حالی که مجاهدان حافظ مرزهای زمینی هستند.

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خرسان، محمد باقر، ج ۱،

ص ۱۷، فصل فی ذکر طرف مما أمر الله فی کتابه من الحجاج و الجدال

بنابراین این توفیق متعلق به ماست و این درهای سعادت به روی ما گشوده شده است تا از این در ورود پیدا کنیم و افتخار دفاع از حریم اهل بیت را پیدا کنیم. این راه را به غفلت نگذرانیم که قطعاً فردای قیامت پشیمان خواهیم شد.

راوی عرضه می‌دارد:

«يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ لَنَا جَاراً مِنَ الثُّصَابِ يُؤْذِينَا وَ يَحْتَجُّ عَلَيْنَا فِي تَفْضِيلِ الْأَوَّلِ وَ الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ عَلَى أَمِيرِ

الْمُؤْمِنِينَ ع وَ يوردُ عَلَيْنَا حُجْجاً لَا نَدْرِي كَيْفَ الْجَوَابَ عَنْهَا وَ الْخُرُوجَ مِنْهَا»

یابن رسول الله در همسایگی ما فردی ناصبی است که ما را اذیت می‌کند و دلائلی بر فضیلت ابوبکر و عمر و عثمان بر امیرالمؤمنین می‌آورد که بلد نیستیم جواب او را بدهیم و بر او پیروز شویم.

حضرت به یکی از شاگردان خود دستور داد:

«مُرَّ بِهَؤُلَاءِ إِذَا كَانُوا مُجْتَمِعِينَ يَتَكَلَّمُونَ فَتَسْتَمِعْ عَلَيْهِمْ فَيَسْتَدْعُونَ مِنْكَ الْكَلَامَ فَتَكَلِّمْ وَ أَفْجِمْ صَاحِبَهُمْ وَ

اَكْبِرْ عِزَّهُ وَ فُلْ حَذَّهُ»

بلند شو و با آنها برو و با آن فرد بحث کن طوری که خفه شود. عزتش را بشکن و شمشیری که علیه شیعه از رو بسته را تکه تکه کن.

مراد از فرمایش حضرت این بود که کاری کن که او در برابر براهین تو توان دفاع نداشته باشد و عظمتی که پیدا کرده است را خرد کن.

ثابت کن حرفهایی که می زند ارتباطی به قرآن و اسلام ندارد و آنها به نام اسلام و قرآن این شبهات را مطرح می کنند. باید به این افراد ثابت کنی که شیاطین و دشمن قرآن و اسلام هستند.

«وَ لَا تُبْقِ لَهُ بَاقِيَةً»

و برای او چیزی باقی مگذار.

«فَذَهَبَ الرَّجُلُ وَ حَضَرَ الْمَوْضِعَ وَ حَضَرُوا وَ كَلَّمَ الرَّجُلَ فَأَفْحَمَهُ وَ صِيرَهُ لَا يَذْرَى فِي السَّمَاءِ هُوَ أَوْ فِي الْأَرْضِ

«

شاگرد امام حسن عسکری رفت و آنچنان با دشمن اهل بیت سخن گفت و آنچنان عرصه را بر او تنگ کرد که او به حالتی رسید که نمی فهمید در آسمان است یا در زمین است.

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خرسان، محمد باقر، ج ۱،

ص ۱۹، فصل فی ذکر طرف مما أمر الله فی کتابه من الحجاج و الجدال

عزیزان امروز پاسخ به شبهات باید این چنین باشد. نمی‌شود با شبهه افکن تعارف کنی و با زبان خوش سخن بگویی!

لزوم پرهیز از فحش و اهانت به مخالفین در مناظرات

البته در بحثها و مناظرات، توهین و ناسزا نه تنها نباید به زبان ما بیاید، بلکه از ذهن ما هم نباید خطور کند. شعار امیرالمؤمنین این است:

«وَلَا تَتَكَلَّمُوا بِالْفُحْشِ فَإِنَّهُ لَا يَلِيقُ بِنَا وَلَا بِشِيعَتِنَا»

زبان خود را به فحش باز نکنید، زیرا فحش دادند نه زینده ماست و نه زینده شیعیان ماست.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسه آل

البيت عليهم السلام، ج ۱۲، ص ۸۲، ح ۱۳۵۷۵

امیرالمؤمنین که معاویه را مسلمان نمی‌داند و در نامه ۱۶ «نهج البلاغه» قسم شدید و غلیظ یاد می‌کند و می‌فرماید:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَشْلَمُوا وَ لَكِنْ ائْتَسَلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ»

قسم به خدایی که دانه را شکافت کسانی که در فتح مکه مسلمان شدند، مسلمان نشدند و تنها کفر خود را مخفی کردند.

«فَلَمَّا وَجَدُوا أَعْوَانًا عَلَيْهِ أَظْهَرُوهُ»

هرگاه زمینه‌ای پیدا کنند کفر خود را ظاهر می‌کنند.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۷۴، خ ۱۶

این جمله حضرت متعلق به جنگ صفین است که می‌فرماید: امروز منافقین همان کفرهای پنهان شده فتح مکه را اظهار می‌کنند.

همین عبارت در کتب اهل سنت است. آقای «هیثمی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت متوفای ۸۰۷ هجری است. او کتابی تحت عنوان «مجمع الزوائد» دارد که در جلد اول صفحه ۱۱۳ همین عبارت را از زبان «عمار» نقل می‌کند. او همانند مولایش می‌فرماید:

«وَاللَّهِ مَا أَسْلَمُوا، وَلَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَأَسْرُوا الْكُفْرَ، فَلَمَّا رَأَوْا عَلَيْهِ أَعْوَانًا أَظْهَرُوهُ»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: ۸۰۷ هـ)، المحقق: حسام الدين القدسي، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، عام النشر: ۱۴۱۴ هـ، ۱۹۹۴ م، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۴۳۹

امیرالمؤمنین با اینکه معتقد است معاویه مسلمان نشده و تنها کفر خود را مخفی کرده است، اما در همین جنگ صفین که افرادی نسبت به معاویه فحش و ناسزا می‌دهند حضرت می‌فرماید:

«إِنِّي أكره لكم أن تكونوا سبّابين و لكنكم لو وصفتم أعمالهم و ذكرتم حالهم كان أضوب في القول و أبلغ في العذر و قلتم مكان سبكم إياهم»

دوست ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر به توصیف اعمال و بیان حالشان بپردازید سختان به صواب نزدیک‌تر و عذرتان پذیرفته‌تر است.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۳، خ ۲۰۶

حضرت به اصحاب خود به صراحت دستور دادند به جای ناسزا گفتن کارهای زشت معاویه را برملا کنید و اعمال وقیح و ضد اسلامی را برای مردم بازگو کنید.

دوستان عزیز! در فضای مجازی و منابر و جلسات خود، همیشه در نظر داشته باشید این شعار اهل بیت است که ما منطق داریم، برهان داریم، دلیل داریم. کسی فحش می‌دهد که دلیل و برهان ندارد.

فحش و ناسزا دلیل «مَن لا دلیل له» است. ما که معتقدیم مذهبمان برخاسته از متن قرآن کریم است؛ افزون بر اینکه در کتب شیعه ادله متواتر برای حقانیتمان داریم، در کتب اهل سنت نیز ادله حقانیت مذهب ما به وفور موجود است.

صبح هم عرض کردم اگر تمام کتاب‌های شیعه را نابود کنند و از بین برود، ما از کتب اهل سنت و دیگران، ادله قطعی بر حقانیت مذهب شیعه داریم. ما نیازی به توهین و ناسزا و فحش نداریم. بعضی افراد که بلد نیستند و ناآگاه هستند، وقتی وارد می‌شوند شروع به فحش دادن می‌کنند.

«مرحوم شیخ صدوق» کتابی به نام «الإعتقادات» دارد که در آنجا اعتقادات شیعه را آورده است و مباحثی تحت عنوان "اعتقادنا فی التوحید" و "اعتقادنا فی النبوة" دارد تا جایی که به مباحثی تحت عنوان "اعتقاد در برخورد با مخالفین" می‌رسد. او روایتی را نقل می‌کند که «مرحوم علامه مجلسی» این روایت را در کتاب «بحار الانوار» جلد ۷۴ صفحه ۲۱۷ نقل می‌کند. در روایت آمده است:

«وَقِيلَ لِلصَّادِقِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يَغْلِبُنْ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسْمِيهِمْ»

افرادی به امام صادق عرضه داشتند: یابن رسول الله! ما در مسجد فردی را مشاهده می‌کنیم که آشکارا به دشمنان شما دشنام می‌دهد و آنها را نام می‌برد.

عزیزان دقت داشته باشید روایتی که در کتب اعتقادی می‌آید، به این معناست که تمام قنطره های علم رجالی را سپری کرده است. «شیخ صدوق» معتقد است روایتی که در کتاب اعتقادی می‌آید، قطعاً از معصوم صادر شده و نیازی به بررسی سندی ندارد.

امام صادق وقتی این خبر را شنید فرمود:

«مَا لَهُ - لَعْنَةُ اللَّهِ - يَغْرِضُ بِنَا»

امام صادق فرمود: چه مرضی دارد؟ لعنت خدا بر او باد! با این کارش زبان دشمنان را علیه ما باز می‌کند.

إعتقادات الإمامية (للصدوق)، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۱۰۷، باب الاعتقاد فی التقیة

حضرت سپس آیه ۱۰۸ سوره مبارکه انعام را می‌خواند که خداوند می‌فرماید:

(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)

(معبود) کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبدا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند.

سوره انعام (۶): آیه ۱۰۸

قرآن کریم دستور می‌دهد که حتی به بت پرستان نیز فحش و ناسزا ندهید، زیرا آنها هم به خداوند متعال توهین و ناسزا می‌کنند.

بنابراین ما باید در بحث‌ها دقت کنیم که از به کار بردن کلمات تند و زننده و زشت اجتناب و خودداری کنیم. اگر طرف مقابل هم به ما فحش داد، مصداق بارز آیه قرآن کریم است که می‌فرماید:

(وَ إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)

و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند به آنها سلام می‌گویند.

سوره فرقان (۲۵): آیه ۶۳

منطق شیعه باید این باشد. اگر طرف مقابل صد فحش هم به شما بدهد، جواب شما باید این باشد که اگر هزار فحش هم بدهی یک فحش از من نخواهی شنید! این باید شعار ما باشد.

بنده بارها به دوستانی که می‌خواهند وارد در زمینه پاسخگویی به شبهات و مناظره وارد شوند، می‌گویم: اگر توانایی و قدرت معنوی دارید تا اگر جلوی دیگران فحش رکیک ناموسی به تو دادند به خاطر حضرت فاطمه زهرا تحمل کنی و جواب ندهی، وارد شو!

حال اگر با یک فحش شنیدن شما هم از کوره در بروید و چندین فحش متقابلاً نثار او کنید، به درد این کار نمی‌خورید و باید به دنبال کار دیگری باشید. هرکسی را بهر کاری ساختند!

لذا در بحث‌هایمان باید برخوردمان با شبهه افکنان قوی و محکم و بدون ملاحظه، اما خالی از هرگونه اهانت و به کار بردن الفاظ رکیک و نادرست باشد.

امروز خروجی «لعن علی» همان خروجی «سب» و «شتم» است!

پرسش:

مسئله «لعن» چه حکمی دارد؟

پاسخ:

اولاً امروز لعن علی خلاف شرع است و همه آقایان و مراجع عظام تقلید به آن فتوا دادند. مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید معتقدند امروز لعن علی با سب و شتم هیچ تفاوتی ندارد. یعنی خروجی «لعن» همان خروجی «سب» و «شتم» است.

«سب» به معنای فحش دادن و به کار بردن الفاظ رکیک است. «لعن» یعنی از خداوند عالم طلب دوری از رحمت خواستن. بله شما می‌توانید بعد از نماز بین خود و خدا از دشمنان اهل بیت تبری بجویید و آزاد هستید، اما در میان مردم این کار جایز نیست.

حتی بنده معتقدم در میان اهل و عیال که می‌توانند این مطالب را به بیرون ببرند و بیرون درز کند و در جای دیگر فتنه درست کند جایز نیست، زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)

و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است!

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۱

لذا این کار قطعاً حرام است. در کتاب «تهذیب الأحکام» اثر «شیخ طوسی» جلد ۲ صفحه ۳۲۱ وارد شده است:

«سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَهُوَ يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعاً مِنَ النِّسَاءِ - التَّيْمِي وَ الْعَدَوِي وَ فُعْلَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَسْمِيهِمْ وَ فُلَانَةَ وَ فُلَانَةَ وَ هِنْدَ وَ أُمَّ الْحَكَمِ أُخْتِ مُعَاوِيَةَ»

تهذیب الأحکام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۲، ص

۱۶۹، ۳۲۱

امام صادق در تعقیبات نماز دشمنان را لعن می‌کردند، نه بالای منبر!! شما هم اگر واقعاً تابع امام صادق هستید، بعد از نماز هرچقدر دلتان می‌خواهد و به هرکسی هم دوست دارید لعن کنید.

ولی وقتی سجاده نماز را جمع کردید و سر سفره آمدید، وارد ماشین شدید، در مدرسه یا بالای منبر قرار گرفتید، لعن کردن ممنوع است. لذا ما یک روایت صحیح نداریم که ائمه اطهار (علیهم السلام) در ملأ عام لعن و نفرین کرده باشند.

آیا در زیارت عاشورا به خلفای اهل سنت لعن می‌کنیم!؟

پرسش:

لعن زیارت عاشورا چه حکمی دارد؟

پاسخ:

لعن زیارت عاشورا همگی لفافه است؛

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ ابْدَأْ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي ثُمَّ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ»

فرازی از زیارت عاشورا

علمای اهل سنت از «مرحوم شیخ طوسی» به حاکم عباسی شکایت کردند؛ ظاهراً حاکم وقت «المقتدر بالله» بود.

علمای اهل سنت گفتند که «شیخ طوسی» در کتاب «مصباح المتهدجد» لعن خلفا را آورده است.

«مقتدر بالله» دستور داد تا علمای اهل سنت را جمع کردند و «شیخ طوسی» را هم آوردند. حاکم به او گفت که

شما خلفا را لعن کردید. «شیخ طوسی» گفت: من در کجا لعن کردم؟ حاکم، زیارت عاشورا را باز کرد و به او گفت

که شما نوشتید:

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ ابْدَأْ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ»

«شیخ طوسی» گفت: آیا من نامی از ابوبکر و عمر و عثمان بردم؟ حاکم گفت: خیر. پس مراد شما چیست؟

«شیخ طوسی» گفت: اولین ظالم «قابیل» قاتل برادرش هابیل بود. دومین ظالم کسی است که حضرت زکریا را

میان چوب گذاشت و تکه تکه کرد. سومین ظالم قاتل امیرالمؤمنین «ابن ملجم مرادی» است.

«المقتدر بالله» رو به علمای اهل سنت کرد و گفت: جوابی بدهید. آن‌ها گفتند: ما جوابی نداریم. «شیخ طوسی»

کتاب خود را به بغل گرفت و جلسه را ترک کرد.

امام صادق (علیه السلام) هزار و چهارصد سال قبل وقتی زیارت عاشورا را مطرح می‌کند، به فکر جان «شیخ

طوسی» استوانه علمی و فقهی شیعه هم بودند.

من و جنابعالی هم اگر لعن می‌کنیم، نام نمی‌بریم. اگر قرار بود نامی از خلفا باشد امام صادق نام آنها را می‌آورد. علاوه بر این در لعن امام صادق (علیه السلام) دو رمز گذاشته‌اند؛ رمز اول «الرَّابِع» و رمز دوم «يَزِيدَ خَامِسًا» است.

بنده بارها در بحث‌ها و مناظرات وقتی این مطالب را بیان می‌کنم، می‌گویم که در زیارت عاشورا چهار نفر به طور مخفی لعن شده‌اند.

اگر قرار باشد مراد از «أَوْلَا ثَمَّ الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ» ابوبکر و عمر و عثمان باشد، حتماً «وَ الرَّابِعِ» علی بن ابی طالب است! آیا شما معتقدید که ما نستجیر بالله علی بن ابی طالب را لعن می‌کنیم؟! طرف مقابل معطل می‌ماند که چه جواب دهد.

از طرف دیگر به جهت اینکه شیعیان راه را گم نکنند، «يَزِيدَ خَامِسًا» می‌خواهد بفهماند که مراد از «وَ الرَّابِعِ» کسی جز معاویه نمی‌تواند باشد. دلیل این حرف این است که در متن زیارت عاشورا وارد شده است:

«اللَّهُمَّ الْعَن أَبَا سُفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ»

در آنجا معاویه و یزید را کنار هم آورده است، اما در «أَوْلَا ثَمَّ الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ» قبل از یزید را حذف کرده است. در چهار سطر قبل معاویه را چسبانده تا برای ما قرینه باشد. مشاهده کنید امام صادق (علیه السلام) به فکر همه این مسائل بوده‌اند.

حال اینکه ما در ملأ عام این قضایا را مطرح کنیم، قطعاً اشتباه است. ائمه اطهار (علیهم السلام) صلاح ندیدند این مسائل را بیان کنند و من و شما هم فضول نیستیم!

وقتی امام صادق اسم نبردند، مگر من و شما فضول هستیم که بگوییم مراد از فرمایش امام صادق چنین و چنان است؟! غلط کردیم که چنین کنجکاوی کنیم. بین خود و خدا هرکاری می‌خواهید بکنید، اما توجیه و تفسیر کردن مراد امام صادق جایز نیست.

از شخصی سؤال پرسیده بودند: مراد از «سَرَّ الْمَسْتودِع» در ذکر شریف «الهی بفاطمه و ابیها و بعلها و بنیها و سَرَّ الْمَسْتودِع فیها» چیست؟ شخص در جواب گفته بود: اگر قرار بود ما بدانیم، دیگر «سَرَّ الْمَسْتودِع» نمی‌شد!! این مسائل اسرار اهل بیت است. لذا ائمه اطهار لعن کردند و فرمودند: خدا لعنت کند کسانی که اسرار ما را کشف می‌کنند.

قضایا به همین شکل بوده و باقی است تا زمانی که حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) بیاید و پرده از بسیاری از اسرار بردارد که یکی از آنها همین قضایاست. حضرت بقیه الله الأعظم امام معصوم و حجت الهی است و به هر نحوی که صلاح می‌بیند این قضایا را بیان می‌فرماید.

دستور صریح امام صادق به مباحله با مخالفین!

نکته دیگر که در اینجا باید به آن گذرا اشاره کنم، این است که در کتاب «رجال علامه حلی» وارد شده است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«أن أبا جعفر علیه السلام كان يباهی بالطیار»

امام باقر به وجود طیار افتخار می‌کرد.

رجال العلامة الحلی، نویسنده: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، محقق / مصحح: بحرالعلوم،

محمدصادق، ص ۱۵۰، باب ۶۴ محمد الطیار

«طیار» یکی از اصحاب توانمند امام باقر بود که در حوزه پاسخ به شبهات فعالیت می‌کرد و هرکجا مناظره کرده، گل

کاشته و پیروز و سربلند از مناظره بیرون آمده است. در روایت دیگر آمده است:

«و أنه كان شديد الخصومة عن أهل البيت عليهم السلام»

او با دشمنان ما اهل بیت به صورت خصمانه برخورد می‌کرد.

رجال العلامة الحلی، نویسنده: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، محقق / مصحح: بحرالعلوم،

محمدصادق، ص ۵۳، باب ۲ حمزة بن الطیار

همانطور که با دشمن برخورد می‌کنند، «محمد طیار» این چنین با مخالفین ما برخورد می‌کرد. صبح هم اشاره کردم

که وقتی امام صادق «هشام بن حکم» را می‌بینند، می‌فرمایند:

«نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۱۷۱، ح ۴

راوی خدمت امام صادق می‌رسند و در رابطه با بحث و مناظره بحث می‌کند. حضرت می‌فرماید:

«كلم الناس و بين لهم الحق الذي أنت عليه و بين لهم الضلالة التي هم عليها»

ولایتی که خداوند به شما تفضل کرده را برای مردم با دلیل بیان کنید و گمراهی که مردم دارند را برایشان بازگو کنید.

ما چندی قبل خدمت آیت الله جوادی آملی بودیم. ایشان می‌گفت: مباحثی که در رابطه با بطلان خلافت خلفاست را با زبان خوش بگویید، زیرا جوانان اهل سنت حق دارند این مطالب را بشنوند.

ما وظیفه داریم این مسائل را برای جوانان بیان کنیم. فحش دادن ممنوع است، اما بیان حقیقت که ممنوع نیست. اهانت کردن جرم است، اما مسائل تاریخی که خودشان با زبان خوش نقل کردند که جرم نیست. حضرت سپس می‌فرماید:

«و باهلوهم فی علی بن ابی طالب»

در مورد امامت علی بن ابی طالب با مخالفین بحث و مناظره و مباحثه کنید.

تصحیح اعتقادات الإمامیة، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: درگاهی، حسین، ص ۷۱،

فصل فی النهی عن الجدل

مباحثه به معنای جان به کف گرفتن و با جان بازی کردن است. بنابراین موضوع بحث و مناظره و پاسخگویی به شبهات یکی از موضوعات مهم و بلکه اهمی است که امروز با آن مواجه هستیم.

دوستان عزیز بی پرده بگوییم که اگر امروز به دنبال یک واجب عینی و تعیینی که ترک آن گناهی نابخشودنی است می‌گردید، پاسخگویی به شبهات است.

امروزه ما در جهان معاصر در میان واجبات الهی چیزی واجب‌تر از پاسخ به شبهات نداریم. این قضیه با توجه به

انبوه روایاتی است که ما از ائمه اطهار (علیهم السلام) مطرح کردیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته